

## حاکمان مطلق العنان و انحصار رهبری کشور

احمد شاه بابا در سال ۱۷۴۷ حاکمیت مستقل افغانستان نوین را پایه گذاری کرد و نظام سیاسی افغانستان طوری اساس گذاری شد که به ادامه دودمان سلطنت و حاکمیت انحصاری ۲۴۶ ساله **طوایف و قبایل** قندهار انجامید که بین قبایل مذکور دست بدست شده میرفت و سایر اقوام پشتون و دیگر اقوام را در سایر ولایات از حقوق سیاسی، رهبری کشور، حاکمیت ملی و تعلیم و تربیه محروم ساختند. دکتور نجیب اله پشتون رئیس جمهور سابق افغانستان را که از قوم احمد زایی بود و در مقرر نمایندگی سازمان ملل متحد در کابل پناهنده شده بود و از مصئونیت سیاسی برخوردار بود بعد از اشغال کابل توسط ملیشه های امیر المؤمنین قندهاری موصوف را اختتام کردند و با قساوت، وحشت و بربریت همراه با برادرش به قتل رسانیدند و به دار او یختند.

تا امروز هم حاکمیت انحصاری طوایف و قبایل اقلیت تحت شعار پشتون های اکثریت در تباری با رهبران دینی و مذهبی در جنگها، سازشها، امتیاز دادنها و مصلحت گراییها ادامه دارد که از جانب قدرت های منطوقی و جهانی حمایت میشوند.

در رأس دولت جمهوری اسلامی حامد کرزی و در رأس ملیشه های جنگی طالبان ملا محمد عمر قرار گرفتند که افغانستان تحت اشغال را در دو جبهه خصومت و جنگ تا هنوز رهبری میکنند.

سوال برانگیز است که این دو رهبر و برادر متخاصم از دو طایفه ی یک قوم و یک محل تصادفی به این مقامها برگزیده شده و یا

پلان شده آورده شده اند که دستان شان به خون مردم مظلوم افغانستان آلوده شده و تا هنوز خون ریزی ادامه دارد. جیب ها و حسابهای بانکی خود و اقارب شان در خارج از کشور پُر از ملیونها دالر شده است.

از سال ۱۷۴۷ تا بحال ۲۶۵ سال میگذرد که از جمله صرف ۱۹ سال رهبری و حاکمیت افغانستان را رهبران آبی از سایر طوایف و اقوام افغانستان به عهده داشتند: امیر حبیب اله کلکانی، نور محمد ترکی، حفیظ اله امین، ببرک کارمل، دکتور نجیب اله، پروفیسر صبغت اله مجددی و استاد برهان الدین ربانی که از جمله ۷ رهبر ۵ نفرشان در اثر سوء قصد ها کشته شدند. اکثریت افغانها در طول تاریخ زیر هرم ها و خیمه های قومی، قبیلوی، نژادی و مذهبی در انزواء زیست و زندگی کرده اند. خیمه های شانرا با چراغ های تیلی و هریکین های تیل خاکی روشن ساخته و با منقل های ذغالی زیر صندلی ها گرم ساخته اند که الهام دهنده خیالات، افکار و اندیشه های خیمه نشینان گردیده و در بیسوادی و بی دانشی نگه داشته شده اند. رهبران دینی و دنیوی در مدت بیش از دو قرن در فکر تعلیم و تربیه اولاد و طن نشدند. هر اس داشتند که اگر سایر اقوام افغانستان و بخصوص سایر اقوام پشتون، صاحب علم و کمال شوند ادعای رهبری دولت را مینمایند. در پشتو یک ضرب المثل است، **ژرنده که د پلارده هم په وارده.** بنابر همین ترس و هر اس به تعلیم و تربیه اولاد و طن چندان علاقه نگرفتند.

سایر خیمه نشینان هم نژاد و هم زبان شان را بشمول سایر اقوام و مذاهب خیمه نشین از حق شرکت در سیاست و رهبری کشور

•  
محروم ساختند و افغانستان را در دونیم قرن گذشته از روشنی در تاریکی و از پیشرفت و ترقی در حالت سکون و عقب ماندگی حفظ و نگه داشته اند. امروز هم قبیله سالاران قندهار در سازش با قدرت های خارجی حاکمیت کشور را در دو جبهه جنگ در انحصار و گروگان خود گرفته اند که سرنوشت حال و آینده مردم و کشور ما را در ابهام و تاریکی به خطرات جدی مواجه ساخته اند.

زیر حاکمیت مطلق العنان یک طرف صعود کشت و قاچاق مواد مخدر، تقویت مافیای مواد مخدر، مافیای زمین، چور و چپاول کمک های ملیارد دالری، دستبرد و عقد قراردادهای غیر شفاف معادن افغانستان، فساد اداری و رشوت ستانی و وابستگی های خارجی و تحت حاکمیت استبدادی طرف دیگر تشدید جنگ های ترورستی، مین گذاری های جاده ی انفجار بم های انتحاری سر بریدن ها و محاکمات صحرایی، به آتش کشیدن مکاتب، تیزاب پاشی بروی دختران و مسموم ساختن دختران را در مکاتب، افتیدن به دام مافیای مواد مخدر، شبکات استخبارات منطوقی و جهانی و وابستگی های خارجی تشکیل میدهد که با هم دیگر **در سازش** هستند، یکدیگر را برادر خطاب مینمایند که برادر هم هستند و از یک دیگر حمایت مینمایند. در عین زمان با همدیگر و علیه مردم خود وحشیانه و ددمنشانه میجنگند که بها، کفاره و تلفات آنرا مردم افغانستان میپردازند. برادران و فرزندان اصیل افغان هرگز با چنین بربریت علیه یکدیگر و علیه مردم خود نمی جنگند بلکه با همدیگر صلح و مصالحه مینمایند. صرف افراد فروخته شده که در تلک استخبارات دشمنان افغانستان شکار شده

•  
و در قید و بند مانده باشند و از خود اراده مستقل نداشته باشند و تابعیت دستور دشمنان افغانستان را پذیرفته باشند به جنگ علیه یکدیگر متصل میشوند که باعث تداوم بحران، جنگ تروریسم و ضد تروریسم در افغانستان شده اند.

اگر پاهای همین دو برادراندر قندهاری به زنجیر ها بسته نشده باشد و از خود ها استقلال عمل داشته باشند و بین شان صلح و آشتی بر قرار شود میتوانند جنگ را برای همیشه در افغانستان خاتمه بدهند. آب در خانه و ما تشنه لبان میگردیم. جنگ بین دو برادرنا اهل افغان هست، مگر دولت صلح را اغواء گرانه از خارجی ها التماس و مطالبه نموده رفع مسئولیت مینماید. تا زمانیکه حاکمیت کشور در انحصار و گروگان قبایل امتحان شده و حاکمان مطلق العنان و وابسته قرار داشته باشد و از طریق تقلبات انتخاباتی حاکمیت شان را تجدید و تداوم بخشند و از تشکل دولت فرا گیر ملی سر پیچی و دسیسه نمایند بحران و اوضاع بی سرو سامان و بی هدف افغانستان کنونی مانند دو نیم قرن گذشته و یک دهه اخیر همچنان ادامه میابد.

از فعالیت های ماهرانه و اغوا گرانه داخلی، منطقوی و جهانی و فیر دوامدار راکت ها و توپ های ثقیل پاکستان بر ولایات شرقی کشور و افغانستان را تحت فشار و تهدیدات دوامدار نظامی، امنیتی و اقتصادی نگه داشتن از یک سو و امید بخشیدن به مذاکرات بین امریکا و طالبان که گروه حقانی هم امدگی اش رادر زمینه اعلام نمود و حزب اسلامی هم از اشتراک اش در انتخابات سخن گفت، نمایان گر یک سلسله فعالیت های علنی و مخفی میباشد که بالای نظام و دولت آینده افغانستان کار میشود

تا اینکه مطمئن شوند که بعد از خروج عساکر خارجی در سال ۱۴۰۲ چه نوع نظام و دولت جایگزین دولت فعلی افغانستان شود که منافع بازیگران منطقوی و جهانی را تضمین کرده بتواند. از اوضاع فعلی افغانستان، کشورهای اسلامی و منطقه استنباط میشود که جوامع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مردمان این منطقه بیشتر بسوی جهان دو قطبی تمایل و گرایش پیدا کرده اند. مردم به اهداف و برنامه های جهان یک قطبی چون حقوق بشر، دموکراسی و دوستی دیگر باورشان را از دست داده اند.

اما جهان یک قطبی نهضت ها و دولت های راست اسلام گرا را نسبت به دولت های سکولار، چپگرا، ملیگرا، دموکراتیک و ترقی خواه ترجیح میدهند که نمونه آن در پاکستان، ترکیه، تونس، مصر، لیبیا و دیگر کشورهای عربی مشاهده میشود. روی همین معیارها و برنامه ها دور از احتمال نیست که گروه اسلام گرایان افراطی، جنگجو و ناقضان حقوق بشر با مهره های فساد و مافیای سازش و ائتلاف نمایند و از طریق تهدید، فشار بر مردم و تقلبات انتخاباتی کاندید ریاست جمهوری مورد نظرشان را به پشتوانه قوای خارجی به پیروزی برسانند و نفوذ مستقیم و یا حاکمیت غیرمستقیم جهان یک قطبی از طریق دولت اسلام گرایان افراطی بر کشور ما تحمیل گردد و از به قدرت رسیدن شخصیت ها و احزاب ملی، دموکرات، ترقیخواه که از مخالفین، استعمار کهن و نوهستند جلوگیری نمایند. چنانچه در انقلاب و انتخابات مصر تجربه شد. انقلاب را نهضت جوانان آگاه و نو اندیش، شخصیت ها و سازمانهای ملی، ترقی خواه و دموکرات در مصر آغاز

•  
کردند و به پختگی رسانیدند که از جانب حزب اخوان المسلمین در انتخابات اختتاف گردید که امروز سیاست های ضد ملی شان به مردم مصر و جهانیان نمایان و برملا شده و مرحله بعدی انقلاب در مصر دوباره آغاز گردیده است.

درمقابله با چنین برنامه های سیاسی، اوضاع و حالات بحرانی و جنگی چه باید کرد که امکانات عملی داشته باشد؟

مبارزات مسالمت آمیز در راه صلح، ایجاد جبهه متحد ملی و همبستگی سراری ملی یگانه راه معقول، مؤثر و عملی میباشد که برای حصول آن با جدیت و صداقت باید کار و مبارزه کرد.

انتخاب رئیس جمهور صادق، ملی، با کفایت و وطن دوست از اولویت های اساسی و حیاتی جامعه ما به شمار می آید که از طریق آراء و حمایت مردم به اریکه قدرت رسانیده شود.

در قدم اول ذهنیت ها و خواست های جامعه و مردم خود را باید درک کرد. رقبای، دوستان و دشمنان داخلی و خارجی خود را با نفوذیکه در کشور ما دارند نیز تشخیص نمود. وسایل و امکانات بالفعل و بالقوه که در اختیار ما قرار دارد را باچالش ها و

موانعیکه در پیشروی ما قرار دارد سنجش و مقایسه نمود و با در نظر داشت شرایط عینی و ذهنی جامعه هدف، ستراتژی، پلان و برنامه کاری مان را در پلات فورم و سکوی مشترک با دوستان و متحدین خود طرح ریزی کرد و با کمپاین منظم تبلیغاتی آغاز به کار نمود تا همه مردم در این راستا آگاه و بسیج ساخته شوند و اذهان مردم در جهت اهداف ستراتژیک ملی و انتخابات بدون تقلب و شفاف روشن ساخته شود تا مردم از آن آگاهانه حمایت نمایند. ما به این اهداف و مرامهای ملی مان زمانی نایل و پیروز

•  
میشویم که برای اهداف مشترک ملی خود صادقانه، مستمر و دوام دار کار و مبارزه نماییم و فضای امید و اعتماد را بین مردم ایجاد و تقویت نماییم.

مبارزات سیاسی و اجتماعی در بین مردم امراساسی و حتمی بشمار می آید که بدون کار تبلیغاتی با مردم هیچ حاصل ملموسی بدست نمی آید. اشتراک مردم در مبارزات سیاسی و اجتماعی نهضت را از انحرافات و اتکاء به قدرتهای خارجی نجات میدهد. کمپاین تبلیغاتی صرف به کاندید ریاست جمهوری محدود و محصور ساخته نشود بلکه از همین حالا گروپ های کاری و تبلیغاتی در صورت امکان در ولایات کشور ایجاد گردد و برنامه های کاری و تبلیغاتی تصویب شده از مرکز برای شان داده شود تا ارتباطات نهضت ملی با مردم برقرار شود و تحت پوشش تبلیغات ملی و برنامه ریزی شده قرار داده شوند. در تبلیغات ملی باید ذهنیت های مردم روشن ساخته شود، آگاهی سیاسی، فهم و جایب و فرایض ملی مردم ارتقاء داده شود تا دیگر فریب قوم گراها و افراطیون مذهبی و دشمنان افغانستان را نخورند. دوستان و دشمنان مردم خود را بهتر بشناسند. از شخصیت ها و پیشروان ملی، صادق و وطن دوست حمایت نمایند.

در اوضاع حساس و سرنوشت ساز کنونی کشور بی تفاوت ماندن و فریب خوردن و یا اشتباه و خطا کردن زمینه تحمیل دسایس دشمنان بر مردم و کشور ما را مساعد میسازد که ما هرگز آنرا در آینده ها جبران کرده نخواهیم توانست. دسایس مهیلا نه ادامه دارد باید همه اقشار، طبقات و اقوام کشور ما در برابر آن متحد شوند و از تمامیت ارضی، استقلال، آزادی،

•  
حاکمیت ملی و ذخایر سرشار معدنی کشور حفاظت و حراست نمایند.

باهمه ابهامات و چالش ها یکه در برابر مردم و کشور ما قد علم کرده نسل نو و جوان تمام اقوام کشور ما پسران و دختران از فرصت ها و امکانات میسر شده در بخشهای مختلف زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فراگرفتن علوم پیشرفته ساینس و تکنالوژی در رقابت های سا زنده و سالم در محدوده منافع ملی با وحدت نظر و عمل و با بصیرت کامل خوب تر و بهتر درخشیده اند که از استعداد های شگوفان شان در امر منافع ملی و مصالح مردم بصورت مسالمت آمیز کار میگیرند که به امید واری های جامعه ما بسوی آینده های درخشان افزوده است.

باید این جریان و حرکت ها را با توکل بخداوند متعال تقویت و حمایت کرد و همگام به آن مسالمت آمیز مبارزه و حرکت را تا پیروزی نهایی ادامه داد.

در عین زمان نباید دسایس علنی و مخفی دشمنان داخلی و خارجی کشور را کم بها تخمین کرد و از آن با غفلت گذشت نمود.

حادثه خشونت بار اخیر در مرکز بزرگ ترین کانون علمی کشور پوهنتون کابل که در روز عاشورا اتفاق افتاد یک برنامه قبلن پلان شده به نظر میرسد. دشمنان داخلی و خارجی افغانستان نقاط ضعیف مردم ما را خوب درک کرده اند که افغانها در برابر تحریکات مذهبی و دینی زود تر آشفته میشوند حوصله و تعقل شان را از دست میدهند. به استناد همین ادراک شان حادثه خشونت بار روز عاشورا را سازمان دادند که در آن یک محصل کشته و ۲۸ محصل دیگر زخمی شدند. پروگرام درسی پوهنتون



•

برای مدت ده روز متوقف گردید. عناصر خارج از پوهنتون توانستند بین محصلین پوهنتون که برادروار با هم میزیستند بی اعتمادی و تفرقه ایجاد کنند و اهداف شوم دشمنان افغانستان را عملی کردند. امید است محصلین پوهنتون کابل و مردم افغانستان از این حادثه ناگوار درسهای شانرا آموخته باشند و بار دیگر فریب چنین تحریکات دینی و مذهبی را نخورند از حوصله، تعقل و تدبیرشان در چنین مواقع کار بگیرند.

نباید با وقوع حادثه اخیر پوهنتون کابل محصلین مأیوس و نا امید شوند. باید نسبت به هر زمان گذشته مصمم و متعهدتر شوند که وحدت و اخوت را دوباره بین شان احیاء نمایند و نگذارند که دشمنان افغانستان بار دیگر بین شان رخنه ایجاد کنند و فضای پاک و صفای پوهنتون را تاروتاریک بسازند.

با توکل به خداوند متعال و حمایت مردم باید به پیش حرکت کرد و کاروان نهضت ملی را به هدف مقصود رسانید.

زنده و متحد باد محصلین و جوانان افغانستان. ۹ قوس ۱۳۹۱

•

تاریک و سرد برآیند و در فضای آزاد، روشن و گرم زیست و زندگی شان را آغاز نمایند. جهان، طبیعت زیبای مادر وطن خود زمین را با چشمان باز بنگرند و از پیشرفت های تمدن گذشته و تاریخی وطن خود و از تمدن های پیشرفته عصر کنونی سایر جوامع بشری بیا موزند جامعه خود را در مسیر اخوت، برادری، همدلی، اعتماد، صداقت، وحدت و منافع ملی سوق و هدایت نمایند. با امکانات وسیع معادن که ما داریم با ایجاد یک اداره سالم و انتخاب رهبر صادق با کفایت و درایت افغانستان میتواند در کمترین مدت به مدارج عالی پیشرفت و ترقی نایل گردد.

امروز در برابر کشور ما چالش ها، سد ها، دسایس و موانع بزرگی قرار دارد که هیچ گروهی، قومی، حزبی و تنظیمی به تنهایی نمیتواند از آن عبور نماید و جان سلامت ببرد و کشور را نجات بدهد.